

## باسمه تعالی

۱..... ثمره دوم برای بیان ملاک تمایز علوم

۲..... ثمرات دیگر برای تمیز بین علم اصول و فقه

۲..... مناقشه استاد: عدم دلیل بر این ثمرات

۲..... موضوع علم اصول

۳..... کلام مرحوم شیخ در تایید بیان مشهور از علم اصول

۳..... پاسخ مرحوم آخوند

موضوع: کلام مرحوم آخوند / تعریف علم اصول / مقدمه علم اصول

## خلاصه مباحث گذشته:

بعد از اینکه تمایز علوم را به تمایز سنخ مشترک محمولات مسائل علم شد و بیان شد که غرض و ثمره از بیان ضابطه علوم، عدم تداخل و انضباط در تقریر و تبیین علوم است تا مسائل فقه و اصول و ادبیات و.. مخلوط نشود. نوبت به بحث از بیان موضوع و تعریف علم اصول می رسد.

## ثمره دوم برای بیان ملاک تمایز علوم

بیان معیار تمایز علوم باعث انضباط در علوم می شود و باعث می شود خلط در مسائل اتفاق نیفتد. به جهت عدم انضباط علم نزد برخی از اصولیین، از قاعده الواحد که مربوط به امور حقیقیه است در علم اعتباری مانند اصول استفاده شده است. بحث حجیت علم و خبر واحد و... اعتباری است ولی مساله حسن و قبح عقلی در علم اصول، امر واقعی است اما در هر صورت، امر تکوینی نیستند و ما بازاء خارجی ندارد و لذا قوانین مربوط به تکوینیات، نباید در علم اصول استفاده شود و لذا استدلال به تضاد بین احکام، در بحث اجتماع امر و نهی صحیح نیست؛ زیرا امر و نهی، امر تکوینی و حقیقی نیستند بلکه صرفا اعتباری و معلول انشاء و جعل مولا هستند که گاهی این امر و نهی، ناشی از مصالح و مفاسد حقیقی هستند و این مناشی، مجوز و دواعی جعل هستند و نه مفاد امر و نهی و از همین رو است که بین موالی عرفیه، مصلحت و مفاسد وجود ندارد؛ پس تضاد حقیقی بین امر و نهی نیست چرا که تضاد صرفا بین امور حقیقی است و لذا اعتبار امر و نهی متضاد محال نیست اما لغو و خالی از حکمت است.

بنابر این برای اینکه در هر علمی قواعد مربوط به آن علم استفاده شود، باید علوم متمایز باشند.

## ثمرات دیگر برای تمییز بین علم اصول و فقه

غیر از این دو ثمره، ثمرات دیگری ذکر شده که صحیح نیست، مثل اینکه گفته اند: در مساله فقهی تقلید و تمسک به اجماع جائز است اما در مساله اصولیه تقلید و یا تمسک به اجماع، صحیح نیست.

## مناقشه استاد: عدم دلیل بر این ثمرات

این بیان تمام نیست؛ زیرا وجهی برای فرق نیست و مساله اصولی نیز ممکن است قابل تقلید باشد چون مساله اصولی مانند استصحاب و... نیز از معالم دین و مباحث دینی است و لذا اطلاقات روایات تقلید ممکن است شامل آن شود، اگر هم تقلید در آن جائز نباشد به خاطر اصولی بودن آن نیست و ممکن است با وجود فقهی بودن نیز قابل تقلید نباشد؛ زیرا وجه عدم جواز تقلید، ممکن است به جهت عدم اطلاق ادله جواز تقلید، مانند سیره و اجماع باشد که گفته شده نسبت به مسائل اصولیه قاصر هستند.

همین طور اجماعات در مساله اصولی با اجماعات در مساله فقهی تفاوتی ندارند و اگر مدرکی باشد مطلقاً قابل تمسک نیست و اگر هم مدرکی نباشد، مطلقاً قابل تمسک است.

نکته: وحدت و تعدد علوم به اعتبار معتبر عقلائی و به استحسان طبع است و مائز ماهوی و عقلی بین علوم وجود ندارد.

## موضوع علم اصول

موضوع علم اصول جامع بین موضوعات مسائل علم اصول است و مسائل اصول هر آن چیزی است که غرض آن استنباط احکام شرعی است و لذا اینکه موضوع علم اصول را «ادله اربعه» دانستند تمام نیست؛ زیرا ادله اربعه جامع همه مسائل نیست، اختلافی هم نمی کند «ادله اربعه بما هی هی» گفته شود که معروف از صاحب فصول است و یا اینکه «ادله اربعه بما هی ادله» که از مشهور نقل شده؛ چرا که اگر طبق نظر مشهور موضوع اصول، «ادله بما هی ادله» و بعد از فراغ از دلالت باشد، تنها آنچه سنت و قول معصوم بودن آن ثابت است در علم اصول بحث از آن میشود، مانند تعارض دو خبر قطعی و ترجیح به مخالفت با عامه که از عوارض سنت است که سنت حقیقی و حجیت بین دو خبر متعارض را روشن می کند، پس اکثر مباحث اصولی باید از این علم خارج شود مثلاً بحث از مرجحات در دو خبری که صدورشان قطعی نیست و امکان دارد هیچیک صادر نشده باشند بحث از عوارض سنت بعد از فراغ از سنت بودن آن نیست بلکه بحث از عوارض خبر است و همینطور بحث از حجیت

خبر بحث از حجیت سنت نیست؛ بلکه بحث از عوارض خبر حاکی آن است؛ زیرا اصل بحث حجیت سنت، کلامی است؛ پس بحث از حجیت خبر واحد، بحث از خبر حاکی از قول امام است.

### کلام مرحوم شیخ در تایید بیان مشهور از علم اصول

مرحوم شیخ در مقام دفاع از مشهور که موضوع علم اصول را ادله اربعه دانسته اند فرموده است: بحث از حجیت خبر واحد و تعادل و تراجیح، بحث از عوارض سنت است؛ زیرا در علم اصول بحث از اثبات سنت و قول معصوم به سبب خبر واحد است و به تعبیر دیگری بحث حجیت خبر واحد، اثبات سنت به سبب خبر واحد است و لذا بحث از حجیت خبر واحد، از عوارض سنت و قول معصوم است و الا اصلا احتمال حجیت خبر واحد مستقل از سنت وجود ندارد و حجیت خبر واحد صرفا به سبب حکایت سنت است پس مرجع حجیت خبر به ثبوت تعبدی قول معصوم است و همینطور هم در متعارضین بحث از ثبوت تعبدی سنت و قول معصوم در متعارضین می شود که کدام یک از خبرین تعیین یا تخییرا مثبت سنت هستند. بنابر این ادله اربعه می تواند موضوع علم اصول باشد و محذور خروج مبحث حجیت خبر واحد و متعارضین از علم اصول، مندفع شد.<sup>۱</sup>

### پاسخ مرحوم آخوند

مرحوم آخوند به این کلام پاسخ داده و فرموده اند: بحث در هر علمی از عوارض موضوع است و بحث از ثبوت و عدم ثبوت، بحث از عوارض نیست؛ زیرا در مسائل باید از «کان و لیس ناقصه» بحث شود و اصل تحقق و عدم تحقق موضوع، از مبادی علم است و اگر هم بگویید اصل تحقق خارجی و وجدانی موضوع، از عوارض نیست اما بحث از ثبوت تعبدی، بحث از مفاد کان ناقصه است و لذا بحث از حجیت خبر از عوارض سنت خواهد بود؛ در جواب گفته می شود که بحث از ثبوت تعبدی، بحث از عوارض خبر خواهد بود هر چند نتیجه آن اثبات تعبدی قول معصوم باشد. اما بحث از اینکه سنت به سبب خبر واحد اثبات می شود، نمی تواند مصحح عارض بودن آن بشود، همانطور که در زید قائم ابوه، قائم ابوه، عارض بر زید نیست. تنها اگر حجیت عارض بر قول معصوم شود، بحث از عوارض قول معصوم خواهد بود.<sup>۲</sup> نکته: حجیت در علم کلام بر قول امام حمل می شود و شک در آن اخذ نشده است بر خلاف علم اصول که موضوع آن خبر واحد است و در موضوعش شک اخذ شده است.

۱ فرائد الاصول، شیخ مرتضی انصاری، ج ۱، ص ۲۳۹.

۲ کفایه الاصول، آخوند خراسانی، ج ۱، ص ۸.

